

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پاسخ به اشکالات آقای مصباح

در مورد نسب امام خمینی "قدس سره الشریف"

استاد سید عباس

ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابافضل ع

دوستان یکی از شبهاتی که اخیرا زیاد به ان اشاره دارند در مورد نسب امام خمینی هست که ما به ان پاسخ گفتیم که در ادامه انرا ارسال می کنیم و ان شا الله یکی از دوستان هم قراره انرا پی دی اف کنن در کانال هم ارسال می شود

اقایی به نام مصباح یکی از افراد به ظاهر اخوندی هست که ادعا هایی در باب نسب امام خمینی قدس سره داشته اند که اخیرا هم بسیار مورد سوء استفاده دشمنان دین و مراجع قرار گرفته است که این شبهات به شرح ذیل است و ما بر خود واجب دیدیم که انها را پاسخ بدهیم

۱. نسب امام خمینی هندی هست و ایرانی نیست

۲. امضایی که امام قبل از انقلاب داشته مبنی بر این هست که در پایان امضایش هندی می زده

۳. امام خمینی اصلا سید نیست

در ابتدا باید عرض کنیم که یکی از خصلت هایی که منافقین و دشمنان نظام دارن اینه که هر اخوند دره پیت منافقی که علیه نظام و انقلاب و ارمان های انقلاب حرف می زنه سریع بهش الفاظی چون ایت الله و ایت الله العظمی و مرجع تقلید و علامه می دن به عنوان نمونه اخوند سید محمد برقی که متاسفانه متمایل به افکار وهابیت شد و بعد هم وهابیت بهش گفتن ایت الله العظمی برقی و گفتن از مراجع شیعه بوده این مصباح هم همینطوری هست یک شخص مثل خیلی ها هست و به مجرد اینکه فقط علیه امام حرف زده بهش می گن ایت الله که اصلا سوال ما اینه اینکه بهش می گید ایت الله اصلا می دونی ایت الله یعنی چی؟ و این مصطلح به چه کسی اطلاق می شه؟ و این شخص اجتهاد خودش را از کی گرفته که شده ایت الله؟

نکته بعدی این هست این رجل مجهول، برای مدعیاش از اول تا اخر که یک مشت اباطیل بافت یک سند هم ذکر نکرد که امام نسبش رو می گه ما بررسی کردیم از هند بوده و فلان بوده بهمان، خوب شما بررسی کردید محبت می کردید ماحصل تحقیقات خود را هم به صورت رسمی و تحقیقی نشان می دادید ما هم استفاده می کردیم وقتی سندی ارائه نکردید جز حرف خود دلیلی بر بطلان مدعی هست

نکته بعدی این هست که قانون تمام دادگاه های دنیا هست هر کسی ادعا می کند باید برای آن دلیل اقامه کنه المدعی و علی البینه خود این آقای مدعی که ۱ ساعت یاوه و اباطیل بافت بینه اش چه بوده؟ و ادعایی که بینه نداشته باشد دیگر به ان سند نمی گویند بلکه به ان ظن و گمان می گویند و در دین اسلام هم ظن و گمان

باطل هست و ارزش علمی و احتجاج ندارد همان طور که قران هم فرموده یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن

ای کسانی که ایمان آورده اید به شدت از ظن و گمان پرهیز و اجتناب کنید

لذا کلام او سند نیست چون بینه ندارد و آنچه که محل اعتماد و رجوع هست هم سند است و نه ظن و گمان و اوهام یک شخص در مورد اینکه امام تبارش هندی هست هم اینگونه نیست بلکه جد 13 امام از ایران وارد هند می شود و چند قرن در آنجا زاد و ولد که می کند این امر مشتبه می شود که امام هندی تبار است

و در این مورد هم ما تحقیقی که کردیم در سایت خود امام هم چنین آمده

در کتاب آیت الله پسندیده در شرح حال خاندان خودشان می خوانیم:

«جد اعلای ما «سید بزرگ» ملقب به «دین شاه» که از سادات هند بوده و در کشمیر سکونت داشته است و کلمه «شاه» پس از نام ایشان به معنی سید است. (یادها -9- خاطرات آیت الله پسندیده، گفته ها و نوشته ها، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ص 41)

و در ادامه می نویسند:

«پدربزرگ ما مرحوم سیداحمد معرف به سیداحمد هندی به شهادت اوراق قباله جات موجود فرزند دین علیشاه است... ایشان بین سالهای 1240 و 1250 قمری از مسقط الرأس خود در هند و کشمیر به عتبات عالیات به قصد زیارت و یا جلای وطن مسافرت کردند و شاید به مناسبت فرار از م لایطاق و قدرت دولت انگلیس ترک موطن خود را ترجیح داده باشند. و...» (همان، ص 42)

اما بر اساس شجره نامه تنظیمی حشمت الله ریاضی یزدی که در انتهای همین کتاب خاطرات آیت الله پسندیده آورده شده است، جد سیزدهم امام خمینی(س) به نام سیدحیدر موسوی صفوی اردبیلی کردی که از طرف پدر و مادر هر دو سید حسینی بود، در سال 766 از طرف عارف بزرگ میر سیدعلی همدانی جهت ارسال پیام نور و عرفان از ایران عازم کشمیر می شوند و اجداد حضرت امام در آن جا به کار تبلیغ دین به جد و جهد پرداخته و در این راه بعضا جان را فدا کرده و به فیض شهادت نائل آمده اند تا اینکه مرحوم سیداحمد جد حضرت امام عازم عتبات عالیات و نجف می شوند و از آنجا به ایران خمین - می آیند و... مابقی ماجرا.

<http://www.imam->

[khomeini.ir/fa/c76_15296/%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%B4_%D9%88_%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85/%D8%A2%DB%8C%D8%A7_%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA_%D8%A7%D8%B3%D8%AA_%DA%A9%D9%87_%D8%A7%D8%AC%D8%AF%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%DA%A9%D8%B4%D9%85%DB%8C%D8%B1_%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C_%D9%85%DB%8C_%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%D8%AF_%D9%88_%D8%A8%D8%B9%D8%AF_%D8%A7%D8%B2_%D8%A2%D9%86%D8%AC%D8%A7_%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%AA_%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%9F_%D9%84%D8%B7%D9%81%D8%A7_%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE_%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AF%D9%84_%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87_%D8%AF%D9%87%DB%8C%D8%AF%D8%9F](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c76_15296/%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%B4_%D9%88_%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85/%D8%A2%DB%8C%D8%A7_%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA_%D8%A7%D8%B3%D8%AA_%DA%A9%D9%87_%D8%A7%D8%AC%D8%AF%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%DA%A9%D8%B4%D9%85%DB%8C%D8%B1_%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C_%D9%85%DB%8C_%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%D8%AF_%D9%88_%D8%A8%D8%B9%D8%AF_%D8%A7%D8%B2_%D8%A2%D9%86%D8%AC%D8%A7_%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%AA_%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%9F_%D9%84%D8%B7%D9%81%D8%A7_%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE_%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AF%D9%84_%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87_%D8%AF%D9%87%DB%8C%D8%AF%D8%9F)

اما جالب هست مستشرقین هم به این مسئله اذعان داشتن که این مطلب در نوع خودش بسیار جالب و زیباست که موید بر همین کلام بالای ماست
جان اسپوزیتو نیز این نظر را تأیید می‌کند و می‌نویسد که «پدر پدربزرگ او از خراسان به هندوستان سفر کرد. پس از آن پدربزرگش به ایران و شهر خمین بازگشت. این جهانگردی‌های اجدادی باعث شد تا به‌گونه‌ای برچسب هندی بودن نیز بر خمینی بخورد

John L. Esposito, *Voices of Resurgent Islam*, Published by Oxford University Press, ۱۹۸۳, ISBN 0-19-503340-X, ۹۷۸۰۱۹۵۰۳۳۴۰۳, Pg. ۱۶۰; «His great grandfather moved from Khorasan to india (popular versions usually specify Kashmir); his grandfather returned to Khomein. These ancestral peregrinations allow a labeling that somehow Khomeini is»Indian".

اما منشا اصلی این شبهه هندی بودن امام کجاست؟ دقیقاً ساواک سال 1346 ان را مطرح کرد و دلیل و نشر این شبهه هم برای این هست که راهی پیدا کنن برای ترور امام

در اواخر سال 1346 بیم و هراس از موقعیت آیت الله خمینی در حوزه علمیه نجف، رژیم را به این نتیجه رساند که تبعید ایشان به عراق کار اشتباهی بوده، لذا در صدد بر آمد او را به کشور دیگری تبعید کند جالب آن که یکی از مراکزی که مورد توجه ساواک قرار گرفت، هندوستان بود و در این خصوص دولت عراق را تحت فشار قرار داد. ساواک در این زمینه به فعالیت‌هایی دست زد و با شایعه سازی در میان مردم قصد داشت ایشان را هندی و هندی زاده معرفی نماید. زمزمه این موضوع از 20 بهمن 1346 آغاز شد به گونه ای که موضوع در میان ایرانیان خارج از کشور نیز مطرح گردید (همان: 539-540). موضوع درخواست دولت ایران از دولت عراق در انتقال امام به هندوستان در گزارشی به تاریخ 27 اسفند 1346 منعکس شده است. نصیری در پی نوشت این گزارش دستور داد: «شایعه به این ترتیب اشاعه یابد که خمینی اصلاً هندی است و نام فامیل یکی از برادرانش هندی زاده است و خودش مایل است که هند برود و از عمال انگلیس در هند عطف به سوابق پدرش و خودش استفاده کند» (همان: ص 568). پانوشت موجود در این گزارش از سوی نصیری حاکی از توطئه برنامه ریزی شده ای بر ضد امام خمینی است. این بار هم توطئه ساواک در پخش شایعه مزبور با ناکامی و شکست مواجه شد و ساواک قم در این خصوص گزارش کرد: «از مجموع نتایج و عکس العمل های طبقات مختلف در مورد شایعه موصوف باید به استحضار برساند که اکثراً بر این عقیده هستند که دولت قصد دارد وی را به هندوستان بفرستد و بعید است او اظهار تمایل به اقامت در هندوستان کرده باشد و به طور کلی خبر مزبور را عموماً شایعه می پندارند (همان، ج 16: ص 580).

اقدامات ساواک برای هندی خواندن آیت الله خمینی در سال های بعد ادامه یافت. هنگامی که در 30 تیر 1355 نورالدین هندی برادر امام خمینی درگذشت، به دنبال چاپ آگهی تسلیت ایشان نصیری به کارشناسان ساواک دستور داد: «بررسی کنید که به چه وسیله بر علیه خمینی با نام هندی و انگلیسی می شود بهره برداری کرد» (همان، ج 17: ص 258). به دنبال این دستور، ساواک تهران و قم تلاش زیادی انجام دادند ولی توفیقی نیافتند و فقط به ذکر سوابق خانوادگی ایشان اکتفا کردند. نظریه کارشناسان آنان این بود که در شرایط فعلی امکان تبلیغات عملی مؤثر در زمینه معرفی خمینی به عنوان هندی و انگلیسی وجود ندارد. نصیری که انتظار اقدام مؤثرتری از ساواک های تابعه داشت در پی نوشت گزارش آنان نوشت: «منظور اصالت هندی بودن نیست بلکه نوکر هندی یعنی عامل انگلیسی بودن است» (همان: ص 271-272؛ آیت الله پسندیده به روایت اسناد ساواک، 1380: ص 324-325).

اگرچه تلاش های ریاست ساواک در این زمینه به نتیجه دلخواه نرسید اما دستورات مؤکد نصیری نشان می دهد ساواک برای تخریب چهره آیت الله خمینی همواره مترصد موقعیت بود و طرح توطئه وابستگی ایشان به دولت انگلستان را در مجامع عمومی در دستور کار خود قرار داده بود (سیر مبارزات ، ج 17: ص 100). در همین راستا در برخی از محافل دانشگاهی به ایشان اتهام ارتباط با انگلیس زده شد (همان، ج 16: ص 393). همچنین در اعلامیه ای که میان طلاب حوزه نجف پخش کردند، ایشان را جاسوس انگلیس معرفی نمودند (همان: ص 672). این موارد مطابق خواست ساواک بود و برای اشاعه این اتهامات واکاذیب تلاش مستمری داشت. همچنین با حمایت و برنامه ریزی دقیق ساواک بود که این اتهام در برخی کتابها همچون «جیره خواران انگلیس در ایران» تألیف اسماعیل رائین منتشر شد (سیر مبارزات ، ج 16: ص 611؛ رائین، 1356: صص 109-110)

<http://www.jamaran.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-14/35865-%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D8%B4%DB%8C%D9%88%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%DA%A9-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%A8-%D9%86%D9%87%D8%B6%D8%AA-%D9%85%D9%86%D8%B2%D9%88%DB%8C-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C>

مطلب بالا هم که ذکر شد در خود سایت امام وارد شده و ما قبلا پیداش کردیم

اما در امضایش "مصطفوی هندی می نوشته" دروغی بیش نیست

ما چنین چیزی پیدا نکردیم از طرفی امام قبل از انقلاب هم با همان امضای همیشگیش نامه می زدند

چه برسه دروغ بزنی بعد از انقلاب هندی در نامش بوده به عنوان نمونه چندتا امضای امام رو می اورم قبل از انقلاب با نام روح الله الخمينی زده

مکتب
بسم الله الرحمن الرحيم
قره بپسین بصلوات الله علیه
مجدد عالم فریب در باجم اراقم
بهرت از جیب من گران داشتی بی طبعی که برتر کردی
ان زب که بصفه من مریع کنی اگر در جو اروش رکوبت جمع کنی
نوسید من تنگ ر بحدی صفه من کان طور که شهر دله شه
بیشه و اگر در جو اراقم تا دکن بسته که در رفیق کنی و حفظ
کنی بار شهر مکتب بی جمع از نکت خندان مکتب
کنی بهر ان زب که تو ای بی به میران فرج کلام
جام نیمه بدو زب تا چرا صدمه مکتب بخوار
در فزاد آتای مکتب و بی به میران (۱۹) نم بهر مکتب
والله علیکم ورحمته ختمی

بسم الله الرحمن الرحيم

قم - آقا مصطفی خمینی

قره العین آقا مصطفی - ایده الله تعالی

بحمدالله حال من خوب است و مزاجم از قم بهتر است، از جهت من نگرانی نداشته باشید.
مطلبی که باید تذکر دهم آن است که به اصفهان مراجعه کنید؛ اگر وجوهی پیش آقای کوپایی جمع شده است،
به وسیله آقای منتظری به طلاب اصفهان همانطور که شهریه داده می شده بدهند و اگر وجوهی آمد، شما
وکیل هستید که دریافت کنید و حفظ کنید برای شهریه طلاب قم
از سلامت خودتان مطلع کنید. بهتر آن است که شماها بیایید شمیران. من بحمدالله جایم نیمه ییلاق است،
شما چرا صدمه می خورید.

از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم، به همه سلام می رسانید.

و السلام علیکم و رحمۃالله.

امام در نامه دیگری از زندان به آقای لواسانی چند جلد کتاب از جمله تاریخ مشروطه احمد کسروی را خواسته
است:

امامزاده یحیی - کوچه تقوی

حضرت آقای لواسانی - دامت برکاته

من بحمدالله سالم هستم. جنابعالی منزلی برای اهل بیت در شمیران بگیرید و آنها را اگر میل دارند ببرید
شمیران. ضمناً کتاب مستدرک الوسائل جلد ثالث و کتاب تاریخ مشروطیت سید احمد کسروی را برای من تهیه
کنید و بفرستید

۱۱م ذی الحجہ کوہہ توتر

صورتِ عربیہ فی بیتِ ربّہ

یہ کتاب سلامِ آسمانی نازلے بارِ ایزدیت در شکرانِ کبریہ و دنیا دار اگر مہرِ دل و تہِ سیرت
نعمتِ کتابِ سترگوار از جلدِ ثانی و کتابِ تاریخ شریفیت سید احمد کرمی را براہِ حق

تہیہ کیسے دینے سے حضرت